

الله أكبر

۱۲۹۲۹۵



بحران قومی - کردی در ترکیه؛ رهیافت‌ها و راهبردها  
پایان‌نامه ارائه شده به گروه علوم سیاسی

دانشکده علوم اقتصادی و سیاسی

دانشگاه شهید بهشتی

برای دریافت دانشنامه کارشناسی ارشد

در رشته مطالعات منطقه‌ای

توسط:

کامران مولودی

استاد راهنما:

دکتر میر احمد معصوم زاده کیائی

شهریور ۱۳۸۸

۱۳۸۸/۱۰/۲۷

کتابخانه و اسناد مرکز علمی پژوهشی  
شهریور ۱۳۸۸

۱۲۹ ۲۹۵

تقدیم به :

پدر و مادر عزیزم که همه هستیم متعلق به آنهاست

وبرادران و خواهراتم که سرمایه های عاطفیم

هستند

و همه آنانی که دوستشان دارم.

## برگ تائیدیه پایان نامه

عنوان پایان نامه: بحران قومی - کردی در ترکیه؛ رهیافت‌ها و راهبردها  
نام دانشجو: کامران مولودی

دوره: کارشناسی ارشد مطالعات منطقه‌ای

این پایان نامه در جلسه ۱۳۸۶/۱۰ با شماره ۱۸،۵ و درجه عالی مورد

تائید اعضای کمیته پایان نامه، متشکل از استادان زیر، قرار گرفت:

دکتر میر احمد معصوم زاده کیائی  
امضاء  
استاد راهنما

دکتر محمد باقر حشمت زاده  
امضاء  
استاد مشاور

دکتر امیر محمد حاجی یوسفی  
امضاء  
استاد ناظر



## اذعان

مطالب ارائه شده در این پایان نامه توسط اینجانب در دانشکده علوم اقتصادی و سیاسی دانشگاه شهید بهشتی در فاصله زمانی بهمن ۱۳۸۷ تا شهریور ۱۳۸۸ به انجام رسیده. به استثناء کمک‌های مورد اشاره در سپاسگذاری محتوای این پایان نامه بطور کامل توسط خود اینجانب صورت گرفته است. این پایان نامه یا بخشی از آن برای دریافت هیچ مدرکی به این دانشگاه یا دیگر دانشگاه‌ها ارائه نشده است.

کامران مولودی

شهریور ۱۳۸۸

امضاء



## سپاسگذاری

### من لم يشكر المخلوق

### لم يشكر الخالق

نهایت تشکر و قدردانی را از استاد ارجمندم جناب آقای دکتر میراحمد معصوم زاده کیائی که هدایت و راهنمایی این پایان نامه را به عهده گرفتند، دارم.

از استاد محترم مشاور جناب آقای دکتر محمد باقر حشمت زاده که با راهنمایی های ارزنده در انجام پایان نامه مرا یاری نمودند، کمال تشکر را دارم. از استاد بزرگوارم امیر محمد حاجی یوسفی که داور و ارزیابی این پایان نامه را بر عهده گرفتند، نهایت تشکر و سپاسگذاری را دارم.

همچنین از اساتید محترم گروه مطالعات منطقه ای که بنده افتخار شاگردیشان را داشتم بی نهایت سپاسگذارم.

**عنوان:** بحران قومی- کردی در ترکیه؛ رهیافت‌ها و راهبردها

**دانشجو:** کامران مولودی

**استاد راهنما:** جناب آقای دکتر میراحمد معصوم زاده کیائی

**دوره:** کارشناسی ارشد رشته مطالعات منطقه‌ای

**تاریخ ارائه:** شهریور ماه ۱۳۸۸

### چکیده:

برخلاف پیش‌بینی‌های نظریه پردازان مدرنیسم و مارکسیسم، مبنی بر حذف هویت‌های قومی و ادغام گروه‌های انسانی در هویتی واحد، واقعیات امروزی اثبات می‌کند که همچنان هویت قومی به عنوان یکی از عوامل مهم تأثیرگذار در سیاست جهانی باقی مانده است. این تأثیرگذاری در سطح داخلی و خارجی از دهه ۱۹۷۰ به بعد بیشتر شده است.

ترکیه از جمله کشورهای چند قومیتی است که به نظر بیشتر محققان یک بحران قومی صد ساله در آن وجود دارد. این بحران از دهه ۷۰ به بعد شدت یافته و شکل نمایان تری به خود گرفته است بطوریکه تمامی زمینه‌های سیاست داخلی و خارجی آن کشور را تحت تأثیر قرار داده است. هم‌اکنون همه سیاست‌گذاران و محققان این کشور برای حل این بحران قومی بسیج شده‌اند.

در پژوهش حاضر سعی شده است روند شکل‌گیری این بحران قومی در ترکیه و عوامل موثر در بسیج قومی کردها، از دیدگاه تئوری‌های "بسیج قومی" ذکر گردد. همچنین سیاست‌های اتخاذ شده از جانب دولت ترکیه در برخورد با این بحران قومی در طول صد سال گذشته مرور شود؛ و از دیدگاه نظریه‌های "رهیافت‌های قومی" و "مهندسی سیاسی قومیت" پایدارترین راهبردها برای حل این بحران قومی-کردی، در ترکیه پیشنهاد گردد.

**کلمات کلیدی:** کردها، ترکیه، بسیج قومی، بحران قومی، رهیافت‌های قومی

۱	پیشگفتار =
۳	مقدمه: ..
۸	فصل اول: طرح تحقیق ..
۱۶	فصل دوم = تعریف مفاهیم ..
۱۷	تعریف مفاهیم ..
۱۷	هویت -
۱۸	هویت حلی ..
۱۸	قوم ، قومیت ..
۲۲	ملت ..
۲۳	تئوری های ملت ..
۲۴	قوم - ملت ..
۲۶	ناسیونا لیسم ..
۲۸	ناسیونا لیسم قومی ..
۲۹	پیش داوری قومی ..
۳۰	تعصب قومی ..
۳۰	تبعیض قومی ..
۳۱	ستیزه‌های قومی ..
۳۱	بحران قومی ..
۳۳	اقلیت -
۳۴	سیاست‌های اقدام مثبت ..
۳۴	عدم تمرکز ..
	منابع فصل دوم:
۳۶	فصل سوم: کرد و کردستان ..
۳۷	کرد و کردستان ..
۴۰	حدود و جغرافیای کردستان ..
۴۱	وسعت و جمعیت ..
۴۳	نژاد کرد ..



۴۴	زبان کردی
۴۷	دین و مذهب
۴۸	کردستان سوریه
۴۹	کردستان عراق
۴۹	کردستان ایران
۵۰	کردستان شوروی
۵۱	کردستان ترکیه
	منابع فصل سوم:
۵۱	فصل چهارم: ترکیه نویت و
۵۱	مسئله کرد
۵۲	بخش یک: ترک ها و ترکیه
۵۳	ترکیه نوین
۵۸	بخش دوم: کردستان ترکیه
۶۱	بخش سوم: انقلابات کرد
۶۱	از تشکیل ماد تا اواخر عثمانی
۶۴	شورش های قومی - قبیله ای در قرن ۱۹
۶۴	شورش میرمحمد
۶۴	قیام بدرخان
۶۶	شیخ عبیدالله شمیدیتان
۶۷	از سیاست تطمیع و همکاری تا جنگ برای استقلال
۷۵	نهضت آزادی
۷۶	قیام شیخ سعید
۷۸	انقلاب ناگری (آارات)
۸۱	شورش درسیم
۸۳	دلایل شکت قیامها
۸۵	«فعالیت های سیاسی - فرهنگی از ۱۹۸۰ - ۱۹۳۷»
۹۰	رادیکالیزه شدن جنبش کردی
۹۲	چپ ترکیه و مسئله کرد

۹۴	.....	حزب کارگران کردستان P.K.K
۱۰۶	.....	بخش چهارم: ارزیابی رفتار ترکیه نسبت به کرد
۱۰۶	.....	ظلم نظامی
۱۱۰	.....	ستم فرهنگی
۱۱۴	.....	تبعیض سیاسی
۱۱۶	.....	محرومیت اقتصادی
.....	.....	منابع فصل چهارم:
۱۲۱	.....	فصل پنجم: بسیج قومی
۱۲۲	.....	بسیج قومی
۱۲۳	.....	الف) کهن‌گرایان Primordialism
۱۲۴	.....	ب) بازارگرایان Instrumentalism
۱۲۶	.....	تئوری‌های بسیج قومی
۱۲۶	.....	(۱) نظریات اقتصادی
۱۲۶	.....	۱-۱) تئوری استعمار داخلی
۱۲۸	.....	۱-۳) رقابت بر سر منابع
۱۲۸	.....	۱-۳) محرومیت نسبی
۱۳۰	.....	۱-۴) انتخاب عقلایی
۱۳۱	.....	(۲) نظریه‌ی دولت و قومیت
۱۳۲	.....	(۳) عوامل خارجی
۱۳۳	.....	(۴) قخبگان و قومیت
۱۳۵	.....	(۵) رهیافت مارکسیستی
۱۳۶	.....	(۶) تئوری مدرنیسم
۱۳۷	.....	جمع‌بندی بسیج قومی
۱۳۹	.....	بسیج قومی کردها
.....	.....	منابع فصل پنجم:
۱۴۴	.....	فصل ششم:
۱۴۴	.....	راهبردهای قومی
۱۴۵	.....	راهبردهای قومی

۱۴۶	همانند سازی
۱۴۷	« همانند سازی در بعد فرهنگی »
۱۴۸	« همانند سازی در بعد ساختاری »
۱۵۰	جا به جایی جمعیت
۱۵۱	نسل کشی
۱۵۳	حق تعیین سرنوشت و تجزیه
۱۵۵	الگوی تکثر گرایی
۱۵۵	تکثر گرایی نابرابر
۱۵۶	تکثر گرایی مساوات طلبانه
۱۵۷	خودمختاری
۱۶۱	فدرالیسم
۱۶۶	دمکراسی انجمنی یا «دموکراسی اجماعی»
۱۶۸	عدم تمرکز
۱۷۴	حکومت محلی
۱۷۶	مجموع راهبردهای گروه قومی
	منابع فصل ششم:
۱۷۹	فصل هفتم:
۱۷۹	راهبردهای مساله
۱۷۹	گرد در ترکیه
۱۸۰	ارایه‌ی راهبردهایی برای حل مسأله‌ی کرد در ترکیه
۱۸۳	راهبرد اقتصادی
۱۹۱	راهبرد فرهنگی
۲۰۱	راهبرد سیاسی
۲۱۹	سازمان‌های بین‌المللی و حقوق اقلیت‌ها
۲۲۱	اروپا- ترکیه و مسأله‌ی کرد
۲۲۶	جهانی شدن و مسأله‌ی اقلیت‌ها
	منابع فصل هفتم:
۲۲۹	نتیجه‌گیری



## پیشگفتار:

جامعه‌ی کرد به علت وضعیت خاص آن یک جامعه‌ی کاملاً سیاسی است، امروزه من در دوردست‌ترین روستاهای کردنشین کودکانی را مشاهده می‌کنم که سن آن‌ها کمتر از ۱۵ سال است و موقعیت سنی آن‌ها چیزی جز تفریح و بازی‌های کودکانه را طلب نمی‌کند، اما همین کودکان خیلی زود سیاسی شده‌اند و شرایط سیاسی کرد را فهمیده‌اند و نسبت به مسایل مرتبط با کردها واکنش نشان می‌دهند و نمادهایی از ملت کرد را هم‌چون کتاب کردی، عکس خوانندگان و رهبران کرد، پرچم و نقشه‌ی کردستان، تقویم کردی و... با خود حمل کنند و به آن عشق می‌روزند و به آن احترام می‌گذارند. همین کودکان اخبار سیاسی کردستان را می‌شنوند و واقعیات مرتبط با سرنوشت کرد را عملاً لمس می‌کنند و یا تأثیرات رسانه‌ها و اطرافیان روز به روز سیاسی‌تر می‌شوند. من نیز از همان سنین اوایل نوجوانی بود که به علت قرار گرفتن در یک جامعه‌ی سیاسی و تأثیرات محیط به مسایل کردها علاقه‌مند شدم. برای اولین بار که می‌شنیدم فلان اسم کردی را برای کودکان کرد اجازه نمی‌دهند متعجب می‌شدم و پیش خود می‌گفتم کلماتی که هر روز ما آن را می‌شنویم و به کار می‌بریم چرا مُصنوع است؟ روز به روز بر تناقضات من افزوده می‌شد، در خانواده و جامعه زبان، فرهنگ و آداب و رسوم دیگری داشتم اما در مدرسه با زبان دیگر، فرهنگ دیگر و آداب و رسوم دیگری برخورد می‌کردم و مجبور می‌شدم از آن تبعیت کنم و هیچ نشانه‌ای از زبان و هویت خود در کتاب‌های مدرسه‌ام نمی‌دیدم. اگر در جایی از کتاب که بسیار هم نادر بود به کلمه‌ی کرد اشاره می‌شد آن را چندین بار می‌خواندم تا ببینم که در مورد کُرد چه چیزی گفته است که چیز خاصی هم عاید نمی‌شد. سال‌ها آرزوی کتاب شعری، تاریخی و یا هر آنچه که در مورد کرد باشد داشتم اما افسوس که این عطش من هرگز پاسخی نیافت. در کلاس درس معلم ادبیاتم وقتی اسم مولوی فارسی‌گوی را می‌آورد از او می‌خواستم در مورد مولوی کرد هم چیزی برای ما بگوید. اولین جمله‌ای که از معلم انگلیسیم پرسیدم این بود که: زبان کردی، زبان شیرینی است، به انگلیسی چه می‌شود؟ که فارسی آن را نوشتم و سریعاً حفظ کردم. از معلم تاریخم که در مورد «سور» و «لوزان» چیزهایی شنیده بودم سوال کردم که از دادن پاسخ طفره رفت و... در سنین بعدی با مسایل کرد بیشتر آشنا شدم و علاقه داشتم تحصیل خود را در زمینه‌ی فرهنگ و سیاست کرد دنبال کنم و به نیکی از مسایل آگاه شوم. با ادامه‌ی مطالعات تاریخ و وضعیت کردها

به عمق قاجعه‌ی کردهای ترکیه پی بردم و به حوزه‌ی مسایل کردستان ترکیه علاقه‌مند شدم و مسایل آن را دنبال کردم. در همین پژوهش هم بر آن شدم وضعیت کردهای ترکیه را بیشتر بررسی کنم و چشم‌اندازهای آینده‌ی این وضعیت را ترسیم کنم.

در پایان لازم می‌دانم از استاد بزرگوارم جناب آقای دکتر معصوم‌زاده تشکر کنم که زحمت پذیرفتن راهنمایی بنده را در این رساله پذیرفتند، و همچنین از استاد بزرگوارم جناب آقای دکتر حشمت‌زاده به خاطر همه‌ی مهربانی‌ها و محبت‌هایی که در طول این مدت نسبت به بنده داشته‌اند تشکر و قدردانی کنم، و نیز از همه‌ی دوستاتی که با امانت دادن کتب و مجلات خود مرا در نوشتن این رساله کمک کرده‌اند تشکر نمایم و...

## مقدمه:

در جهان حدود ۵ هزار قوم وجود دارد که هر یک دارای ویژگی‌های زبانی، مذهبی، فرهنگی و اجتماعی خاص خود هستند که آن‌ها را از دیگران جدا می‌کند. تا اواخر قرن هیجدهم جهان دارای حدود ۳۰ کشور بود که هر کشور یک امپراطوری وسیع بود که چندین ملت را در میان خود جای داده بود، مثلاً امپراطوری اتریش - هنگری شامل حدود ده قومیت جدا از هم بود، اما با انقلاب فرانسه برای نخستین بار ناسیونالیسم و قومیت سیاسی متولد شد و دولت ملی آمالی گردید که هر یک از گروه‌های قومی در پی دست یافتن به آن بودند، در این راستا دولت‌های اروپایی پیش‌قدم بودند، سپس این موج وارد دیگر قسمت‌های جهان نظیر آسیا و آفریقا گردید و با تأخیر دیرتری وارد خاورمیانه شد. امروزه در راستای تلاش گروه‌های قومی برای تشکیل دولت ملی، تنها ۲۰۱ کشور مستقل تشکیل شده است و این ۵ هزار قوم در این کشورها جای گرفته‌اند، که این کشورها را می‌توان از بسیار متنوع (نظیر هند) تا نسبتاً همگن (مثل کره‌ی جنوبی، تنها کمتر از ۴ درصد کشورهای جهان) تقسیم‌بندی نمود، که بر اساس آمار حدود ۷۰ درصد کشورهای جهان ناهمگون هستند.

جهان قومیت یک واقعیت آشکار است و در آینده‌ای نزدیک هم جایگزینی برای قومیت غیر محتمل است، از طرف دیگر هم مدت‌هاست که قومیت سیاسی شده است و هر یک از قومیت‌ها وقتی قومیت‌های دیگر را می‌بیند که بر اساس قومیت خود صاحب دولت ملی شده اند بسیار طبیعی است که آنها نیز این خواسته را مطرح کنند، اما بیشتر صاحب‌نظران علوم سیاسی از تجزیه‌های جدید کشورها و تشکیل دولت‌های مستقل نوین اظهار نگرانی می‌کنند و آن را عاملی می‌دانند برای هر چه بیشتر شدن تشنج‌های سیاسی بین کشورها، مشکلات اقتصادی، اختلاف‌نظرهای مرزی، شکل‌گیری اقلیت‌های جدید و... لذا برای جمع‌کردنی قانع‌کننده از این چند فاکتور متعارض در راه‌حلی واحد (۵ هزار گروه قومی، وجود تنها ۲۰۱ کشور، قومیت سیاسی، مشکلات تجزیه) محققین تنها راه‌چاره را تشکیل دولت‌های دموکراتیک می‌دانند که در آن حقوق بشر و حقوق جمعی همه‌ی افراد و گروه‌های قومی محترم شمرده می‌شود. تجربیات کشورهای دموکراتیکی مانند سوییس، کانادا، اسپانیا، هند و... به خوبی اثبات‌کننده‌ی این اصل است که چگونه با یک حکومت پلورالیستی که در آن خواسته‌های گروه‌های اقلیت محترم شمرده شده است، می‌توان مسایل قومی را به درستی مهندسی نمود و کاری کرد که گروه‌های قومی به آن جامعه

وفادار بمانند و حتی اگر حق تعیین سرنوشت هم آزادانه به آنها داده شود از آن صرفنظر نکنند (مردم کبک کانادا تا به حال دو بار به فراندوم استقلال از کانادا رأی منفی داده‌اند).

اما کشورهای نژادپرست و تحت سلطه‌ی یک قوم مسلط با سیاست‌های انکار، تبعیض، قوم‌کشی، تبعید و... دیگر گروه‌های قومی خود را به حاشیه رانده و آنها را وادار به این نتیجه‌گیری کرده‌اند که امکان هر گونه زندگی مسالمت‌آمیزی را با آنان غیرممکن دانسته‌اند. این گونه کشورها با پیرون کردن سیاست همانندسازی، تحریف تاریخ و ممنوعیت فرهنگ دیگر گروه‌ها موجب می‌شوند که گروه‌های قومی موجود در آن جامعه روز به روز از یکدیگر بیگانه شوند و امکان دستیابی به کشوری ملی که همگان مسروعت آن را تأیید نمایند، غیر ممکن شود. این کشورها با پیرون کردن سیاست‌های خشن و زورمدارانه گروه‌های اقلیت را وادار به استفاده از منطق زور علیه زور می‌کنند و شرایط کشورهای خود را روز به روز پیچیده‌تر و مشکل‌تر می‌کنند.

امروزه دیگر گروه‌های قومی به خودآگاهی قومی رسیده‌اند و هرگز حاضر نیستند زیربار روابط ناعادلانه و ظالمانه پیشین بروند، و حاضر هستند بر علیه این شرایطی که بر آنان تحمیل شده است مبارزه کنند. آنان خواهان بقاء، حفظ و رشد هویت خویش‌اند؛ آنان می‌خواهند که به فرهنگ و آداب و سنن‌شان احترام گذاشته شود، آنان خواهان حیاتی عادلانه و درخور جایگاه انسان هستند؛ آنان دوست دارند که سرزمین‌شان مثل جاهای دیگر آباد و توسعه یافته باشد و آنان می‌گویند چنانچه امکان تحقق تشکیل کشوری مستقل برای آنان وجود ندارد باید تدابیر و چارچوبی اندیشه شود که آزادی و برابری آنان با دیگران در اصل حق تعیین سرنوشت متجلی شود. دانشمندان حقوق بین‌الملل و علوم سیاسی برای پاسخ‌گویی به خواسته‌های گروه‌های قومی، مسأله‌ی حق تعیین سرنوشت داخلی و تشکیل حکومت‌های محلی را پیشنهاد می‌کنند. این دو راهکار در واقع یک پاسخ واحد است و آن این است که به گروه‌های قومی اجازه داده شود که در چارچوب مرزهای ملی کشور متبوع‌شان تشکیلاتی را ایجاد کنند که امور آن مناطق را اداره کند و برای رشد و توسعه‌ی آن تصمیم‌گیری کند و مردمان آن در سطحی محلی در تعیین سرنوشت خویش آزاد باشند و این همان پاسخ منطقی است که امروزه در بیشتر کشورهای دموکراتیک و غربی پیرو می‌شود و سیستم این کشورها را به سطح چندحکومتی سوق داده است و گروه‌های قومی را راضی کرده است.



کردها، بزرگ‌ترین اقلیت قومی بدون کشور، یکی از کهن‌ترین اقوام خاورمیانه هستند. آنان دست کم چهارمین گروه قومی منطقه هستند؛ سرزمین آنان سرزمینی است غنی و پربرکت؛ آنان وارثان تمدن‌های مزوپوتامیا هستند؛ آنان بنیانگذاران امپراطوری‌های ماد و ساسانی هستند؛ ولی امروزه با شرایط ناعادلانه از مدیریت خاورمیانه مدرن محروم شده‌اند و سرزمین آنان به جزو عقب‌مانده‌ترین نقاط خاورمیانه تبدیل شده است و هرگونه مشارکت سیاسی در قدرت و کنترل امور از آنان گرفته شده است و سخن گفتن در مورد حقوق انسانی و دمکراتیک آن‌ها جزو محرمات شده است. وضعیت کردها در ترکیه بسیار اسفبارتر و دردناک‌تر است. آنان در دوران رشد اندیشه‌های ناسیونالیسم در درون امپراطوری عثمانی با مفاهیم دولت ملی و حاکمیت ملی آشنا شدند و مثل سایر گروه‌های داخل امپراطوری به فکر تشکیل کشوری مستقل برای کردها در کردستان، نه آنکارا و استانبول، افتادند. آنان سرانجام توانستند مجوز تشکیل دولت کرد را در معاهده‌ی سور (Sever) بگنجانند، ولی چندی نگذشت که کشورهای استعمارگر همه‌ی آمال آنان را در معاهده‌ی لوزان فدای منافع خود نمودند و حتی آن‌ها را هم به عنوان اقلیت در درون ترکیه نوین به حساب نیاوردند، اما کردها هرگز زیر بار این تبانی ظالمانه و ناعادلانه نرفتند و از همان ابتدا بر علیه این ظلم تاریخی شوریدند و آن را نامشروع کردند.

گرچه رابطه‌ی کردها با ترک‌ها در ابتدا و مخصوصاً در دوران سال‌های اولیه‌ی تشکیل «کمیته‌ی اتحاد و ترقی» و جنگ‌های استقلال ترکیه حسنه بود، اما به تدریج این رابطه به علت سیاست‌های ترک‌گرایانه‌ی «کمیته‌ی اتحاد و ترقی» و تشکیل دولت تک‌قومی توسط آتاترک به وخامت کشید و با سرکوب‌های شدید و خشن دهه‌ی ۱۹۳۰ و ۱۹۲۰ به یک خصومت تاریخی تبدیل شد. آنان خاطرات تلخی از دهه‌ها سرکوب، کوچ اجباری، ممنوعیت، محرومیت و تبعیض به ارث برده‌اند. آنان دهه‌ها در مقابل سیاست‌های همانندسازی و ممنوعیت کرد و هویت کرد مقاومت کردند و اجازه ندادند نام و یاد کرد از تاریخ حذف شود. آنان هرگز زندگی برابرانه و برادرانه را با ترک‌ها در طول این صد سال تجربه نکرده‌اند و مناطق کردنشین به علت سیاست‌های هدفمند و تبعیض‌آمیز حاکمان ترکیه به یکی از عقب‌مانده‌ترین مناطق ترکیه تبدیل شده است.

امروزه «مسأله‌ی کرد» یا هر آن چه که اسم آن را بگذاریم «مشکل کرد» یا «واقعیت کرد» به یکی از مشکلات امنیتی، اقتصادی و اجتماعی ترکیه تبدیل شده است که همه‌ی ابعاد سیاست خارجی و داخلی آن را تحت تأثیر قرار داده است. کمتر روزی است که در شهرهای کردنشین

ترکیه، شاهد اعتراضات و راهپیمایی‌های هزاران نفری نباشیم؛ کمتر روزی است که مثل فلسطینیان و سربازان اسرائیل صحنه‌های درگیری جواتان کرد با چوب و سنگ در مقابل نظامیان ترکیه مشاهده نشود؛ کمتر روزی است که کشته‌های پ.ک.ک یا سربازان ترک بر روی شانه‌های پدران و مادران داغ دیده حمل نشود و کمتر روزی است که نخبگان و روشنفکران کرد و ترک بر علیه این وضعیت غمیر انسانی اعتراض نکنند و خواستار پایان آن نباشند.

اکنون مسأله‌ی کرد به یکی از عوامل انتقادات جامعه‌ی جهانی و محافل حقوق بشری بر ضد ترکیه تبدیل شده است؛ مشکل کردها مهم‌ترین مانع ورود ترکیه به اتحادیه‌ی اروپاست، جنگ با چریک‌های کرد سالانه میلیاردها دلار (بر طبق آمار چیزی حدود ۴ میلیارد دلار) بر اقتصاد ترکیه تحمیل می‌کند؛ هزاران کشته و مجروح نتیجه‌ی جنگ با کردهای ناراضی است؛ خرابی و ویرانی صدها شهر و روستا به علت درگیری‌های خونین در کردستان است و ده‌ها جنبه‌ی دیگر که مسأله‌ی کرد را به بزرگ‌ترین مشکل جامعه‌ی امروز ترکیه تبدیل کرده است و نیاز به یافتن راه‌حلی منطقی برای آن را ضروری نموده است. قطعاً ترکیه در عصر رواج حکومت‌های دموکراتیک و پایان دوران حکومت‌های اقتدارگرا، دیگر نخواهد توانست سیاست‌های قرن ۲۰ خود را در قرن ۲۱ هم پیاده کند و روز به روز عرصه بر ترکیه تنگ‌تر می‌شود. جامعه‌ی کرد به خودآگاهی قومی رسیده است و برای کسب یک سری خواسته‌های دموکراتیک و مشروع بسیج شده است و به هیچ شیوه‌ای هم عقب‌نشینی نخواهد کرد و محافل جهانی و کشورهای دموکراتیک هم حامی آن‌هاست. دیگر مسأله‌ی انکار حیثیت ترک‌ها را به باد خواهد داد، دیگر جنگ و کشتار و تبعید و اعدام در دنیای امروز جایگاهی ندارد، دیگر مسأله را تحت عنوان تروریسم و دخالت خارجی قلمداد کردن دردی را دوا نمی‌کند. باید حاکمان ترکیه به دنبال راه‌های مدرن و امروزی برای حل مشکل کردهای خود بگردند و از تجربه کشورهای دموکراتیک و موفق در زمینه‌ی مسایل قومی نظیر کانادا و اسپانیا هم کمک بگیرند.

کردها که امروزه مشاهده می‌کنند در جاهای دیگر گروه‌های دیگر یک دهم آنان جمعیت ندارند ولی کشورهای خود را تشکیل داده‌اند و یا در کشورهای اروپایی یک گروه اقلیت با ۲ تا ۳ درصد جمعیت آن کشور صاحب بیشترین حقوق قومی است، بسیار برایشان مشکل است که ببینند که کردها با ۲۵ میلیون جمعیت در ترکیه کوچک‌ترین حقوق جمعی را ندارند و با آنان مانند

شهروند درجه دوم رفتار می‌شود، آنان ادغام می‌شوند و عار می‌دانند و حاضرند برای تغییر آن هر فداکاری را انجام دهند.

چیزی که واضح است این است که باید ترکیه در سیاست‌های قومی گذشته‌ی خود تجدیدنظر کند و راه‌های غیردمکراتیک و غیر انسانی را کنار بگذارد و به سوی سیاست‌های دمکراتیک و مشروع گام بردارد، و اما چه سیاست‌هایی را می‌تواند پیروی کند تا قرین موفقیت شود چیزی است که در این تحقیق به دنبال آن هستیم. به دنبال آن هستیم وضعیت کردها را در یک بستر تاریخی بررسی کنیم و دوران شکل‌گیری بحران کرد را در ترکیه مشخص کنیم و برای برون‌رفت از این بحران راهبردهایی را پیشنهاد دهیم و پایدارترین راهبرد را نیز تعیین کنیم.

# فصل اول: طرح تحقیق